

حق تصنیف و تألیف و اختراع

قسمت اول

مقصود از حق تصنیف و تألیف و اختراع چیست ؟
 حق تمتع ادبی و صنعتی همچنین حق تصنیف و تألیف
 و اختراع با اینکه در السنه متفاوت و عرف مستعمل در کشورها
 بظاهر مختلف بنظر میرسد مهرباناً بقدری شبیه و نزدیک بهم
 است که میتوان گفت تقریباً یکی است - با وجود این غالب
 از علماء حقوق دان در توصیف طبیعت و توجیه اوصاف و
 مشخصات آن گرفتار مشکلات عدیده گشته و در مقام سئوالی
 که در این موضوع از ایشان شده است بقدری پاسخهای مبهم
 داده اند که مطلب کاملاً صورت نظری بخود گرفته تفکیک
 صحیح از سقیم بغایت دشوار و تنها چیزی که مورد اتفاق میباشد
 موضوع حفظ و حراست بلکه حمایت از صاحب این حق است
 و بس و بهمین جهت است که موضوع حق تصنیف و تألیف
 و اختراع مورد بحث اجتماعی واقع شده در اطراف آن عقاید
 مختلفه و آراء مشتتته اظهار گردیده است + در مقاله فعلی
 هم فقط رؤس مطالب و نظریات عدیده که اظهار شده است
 مورد بحث قرار خواهد گرفت :

فصل اول

طبیعت و اثر قضائی حق تصنیف و تألیف و اختراع
 قبل از مطالعه و فحوص و تحقیق در اطراف حمایت و
 پشتیبانی بین المللی که از حق تصنیف و تألیف و اختراع میشود
 لازم است طبیعت و اثر قضائی حق مذکور مورد مذاقه و امعان
 نظر قرار گیرد - عقاید مختلفه در این مورد اظهار گردیده که
 فقط در اطراف چند فرض از آن که قابل توجه و ثابت است
 مذاکره شده و از تشریح بقیه که متغیر و بسی اهمیت است
 صرف نظر میشود زیرا در عین حال که موضوع مذکور دارای
 طرفدارانی است که حفظ و تقویت حق تصنیف و تألیف و
 اختراع را قائل هستند عدّه از اشخاص بزرگ و منور الفکر
 هم مخالف با این عقیده بشمار رفته ابتکارات فکری را محصول

قوه طبیعی و میوه باغ اجتماعی میدانند منجمله (کاری) امریکائی
 است که مصنف و یا مؤلف و مخترع را مقابسه با کسی میکند
 که در باغ متعلق بغير رفته و گلهها چیده و دسته گلی ترتیب
 داده باشد .

بعقیده عالم مذکور گلههای فرض شده در این قضیه
 افکار اجتماعی است که قبلاً از دیگران تراوش کرده و این
 قوه را مآلاً برای مصنف و مؤلف یا مخترع ایجاد نموده است
 و بهمین جهت است که (کاری) میگوید : « مصنف و مؤلف
 یا مخترع چون در ملک متعلق بجامعه رشد و نمو یافته و از
 حاصل آن متمتع شده است باید ثمر و نتیجه فکر خود را نیز
 در راه هیئت اجتماعی مصرف نمایند » بنابراین حق تصنیف
 و تألیف و اختراع و یا حقوق مشابه به آن حق شخصی نبوده
 بلکه اجتماعی است - بعقیده (مازینی) محصول قوه فکری
 متعلق بعالم اجتماع بوده و موضوع حق انحصاری اشخاص واقع
 نخواهد شد و بالاخره (تولستوی) هم یکی از دشمنان جدی
 و مخالفین قطعی این عقیده بشمار میرود بدیهی است مخالفت
 تولستوی را مثل اختلاف نظرهایی که علماء دیگر ایجاد
 کرده اند نمیتوان مبتنی بر اساس علمی صحیح دانست زیرا
 از تولستوی که معتقد بحقوق مالکیت مادی و عینی نیست
 انکار حق شخصی و معنوی چندان مستبعد بنظر نمیآید عقاید
 غیر منطقی دیگر هم در اطراف حق تصنیف و تألیف و اختراع
 اظهار شده است منجمله بعضی میگویند که مصنف و مؤلف
 یا مخترع دارای هیچگونه حقی نیستند زیرا که این قبیل از
 اشخاص بحکم تقدیر و موجبات طبیعی بنعمت نبوغ نایل شده
 اند بنابر جهات مذکوره معلوم میشود که دلایل اقامه شده از
 طرف مخالفین طرفداری از حق تصنیف و تألیف و اختراع
 متکی با اساس محکمی نبوده بهمین مناسبت هم غیر قابل اعتناء
 و اهمیت است . پس از اصل موضوع که حمایت و پشتیبانی
 از این حق باشد مسلم لیکن اشکال مطلب در اینجا است که
 حق مذکور را بلحاظ مادی و معنوی از یکدیگر تفکیک کرده

ادبی یکنفر نویسنده تولید میشود» لوئی ناپلئون می گوید: «آثار فکری بمنزله ملک باخانه بوده و باید از همان حقوقی که صاحبان املاک و اراضی متمتع میشوند صاحب فکر هم استفاده کنند - عقاید مختلفه چه در زمینه موافقت و خواه در مقام مخالفت با این حق اظهار شده ولی بهترین وجهی که بین حق تصنیف و تألیف و اختراع و حق مالکیت جهت تشابه قائل شده این است که اساس هر دو حق مربوط بکار و نتیجه عمل میباشد بمرتقدیر اعم از اینکه دلایل اقامه شده از طرف موافقین یا مخالفین برله یا علیه این حق مبتنی بر اساس صحیح و وجوه منطقی بوده یا نباشد چیزی که محل تردید نیست این است تمام پشتیبانی و حمایتهایی که از حق تصنیف و تألیف و اختراع شده و حق مزبور را در عداد مقدسترین حقوق (حق مالکیت) قلمداد کرده اند برای این است که فی الواقع و نفس الامر حق مذکور محفوظ مانده مثل حق مالکیت دائم و مستمر باشد»

۳- آیا حق تصنیف و تألیف و اختراع حق شخصی و افتخاری است که وابسته بصاحب آن میباشد؟

عده زیادی از علماء حقوق دان حق تصنیف و تألیف و اختراع را بمنزله شخصیت و افتخار مخصوصی برای مصنف و مؤلف یا مخترع دانسته اند منجمله برتولد میگوید: «تولید از آثار یکنفر مصنف یا مؤلف و یا مخترع حمله ایست بشخصیت و آزادی نه بمال و دارائی او» جمع دیگری در مقام تشریح و توصیف این حق لیاقت و استعداد فطری را منشاء تولید آن تشخیص حق تصنیف و تألیف و اختراع را فقط مربوط بشخصیت و افتخار صاحبش دانسته برای حق مذکور جنبه معنوی قائل و آنرا از جهات مادی کاملاً دور میدانند و بعقیده علمای فوق الذکر استفاده های مادی یکنفر مصنف و مؤلف و یا مخترع در نتیجه اجرای حقوق معنوی و شخصی او است که مآلاً متمتع میشود.

برای هر يك از این دو موضوع تقسیم بندی قائل شده تشریح نمائیم که آیا حق تصنیف و تألیف و اختراع حق شخصی و افتخاری است که مستقیماً مربوط بشخصیت صاحب آن بوده یا اینکه دارای خواص و اثرات حقوق عینی است ؟؟؟ قطع نظر از تقسیم بندی های سابق حق مذکور باقسام عدیده طبقه بندی می شود که چهار شق مهم از آن بشرح زیر است:

۱- آیا حق تصنیف و تألیف و اختراع بمنزله يك حق اعتباری است ؟

۲- آیا حق تصنیف و تألیف و اختراع حق عینی است ؟؟؟

۳- آیا حق تصنیف و تألیف و اختراع حق شخصی و افتخاری است که وابسته ببه شخصیت صاحب آن می باشد ؟؟؟

۴- آیا حق تصنیف و تألیف و اختراع دارای هر دو جنبه (مادی و معنوی) است .

۱- آیا حق تصنیف و تألیف و اختراع بمنزله يك حق اعتباری است ؟؟؟

بدون تردید باید باین سؤال جواب منفی داد زیرا که هم منطق و هم قانون و هم خود مصنفین و مؤلفین و مخترعین باین کیفیت راضی نیستند که يك حق طبیعی و مطلق در سری حقوق نسبی و تعاهدی که روی اصل معاهدات و قراردادها ایجاد شده است داخل گردد .

۲- آیا حق تصنیف و تألیف و اختراع حق عینی است ؟؟؟

حق تصنیف و تألیف و اختراع را بین حقوق عینی و طبیعی بیشتر بحق مالکیت تشبیه کرده اند و این موضوع مدت های مدیده در فرانسه مقبولیت عامه داشته و حتی (شاپلی) ضمن گزارشاتی که بمجلس مؤسسان داده و موضوع فرمان نوزدهم ژانویه ۱۷۹۱ واقع گردیده است مینویسد «مقدس ترین - مشر و عترتین حقوق حقیقی است که در اثر افکار عالیه یا تراوشات